

ریخت‌شناسی ابریق‌های شیشه‌ای ایران در قرون سوم و چهارم هجری قمری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۳۰

کد مقاله: ۴۲۱۲۳

مصطفویه زمانی سعدآبادی^۱، فرنوش شمیلی^{۲*}

چکیده

با فرارسیدن اسلام، شیشه‌گران ایران در قرن‌های ۳ و ۴ ق.د دست‌آفریده‌های ارزنده‌ای خلق کرده‌اند که در گذر زمان بخشی از آن‌ها بر جای مانده است. هدف این پژوهش مطالعه ابریق‌های شیشه‌ای ایران با تمرکز بر ساختار کلی اجزا، فرم، نقوش و تزیینات تحت عنوان ریخت‌شناسی است. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش که ابریق‌های شیشه‌ای ایران در قرون ۳-۴ ق.د دارای چه ویژگی‌های بصری هستند؟ انجام گرفته است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نمونه‌های مورد نظر به شیوه کیفی و با رویکرد ریخت‌شناسانه مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که ابریق‌های شیشه‌ای از عناصر ثابت مخزن، دهانه و دسته تشکیل شده‌اند. زائد روی دسته، گردن، پایه، تزیینات و نقوش از اجزای متغیر این ابریق‌ها است. مخزن ابریق‌های شیشه‌ای با فرم‌های اشکی، شلجمی، گوشتکوبی، استوانه‌ای و تلقیقی از آن‌ها با دهانه‌های تنگ، استوانه‌ای و گشاد ساخته شده‌اند. دسته از دهانه این ظروف به ابتداء، میانه یا انتهای مخزن متصل شده است. زائد بر روی دسته اغلب ابریق‌های شیشه‌ای بر جسته بوده و پایه مسطحی در کف تمام ابریق‌های شلجمی و بعضی از ابریق‌های اشکی توسط شیشه‌گر در نظر گرفته شده است. تزیینات ابریق‌های شیشه‌ای ایران در دو دسته انتزاعی محض و شمایلی-انتزاعی قابل پیگیری است.

واژگان کلیدی: ریخت‌شناسی، شیشه‌گری ایران، ابریق‌های شیشه‌ای، فرم، تزیینات.

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

۲- استادیار دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول) f.shamili@tabriziau.ac.ir

شیشه‌گری یکی از ارزنده‌ترین هنرها در طول تاریخ ایران است که از پیشینه‌ای طولانی برخوردار می‌باشد. در دوران اسلامی و پس از گذشت حدود سه قرن از استیلای اسلام در ایران، هنر شیشه‌گری که در ابتدای ورود اسلام دوره‌ای از رکود را سپری کرده بود، دچار تحولاتی شد. این تغییر و تحول در ساخت آثار شیشه‌ای متعدد با تزیینات گوناگون تحلیل یافته است. از قرون سوم و چهارم هجری قمری ایران آثار شیشه‌ای ارزشمندی به یادگار مانده که از آن جمله می‌توان به ابريق‌های شیشه‌ای اشاره داشت. در این مقاله با هدف شناخت و مطالعه ریخت‌شناسانه ابريق‌های شیشه‌ای ایران نومنه از آن آثار بر جای مانده از قرون ۳-۴ ه.ق. با توجه به مؤلفه‌های ساختار کلی اجزاء، فرم، ریخت و تزیینات مورد بررسی قرار می‌گیرند تا با تکیه بر منابع و آثار مزبور تا حد امکان تصویری دقیق و علمی از ابريق‌های شیشه‌ای ایران به منظور پیشبرد دانش هنر شیشه‌گری ایران ارائه دهد. این پژوهش روشنمند بوده و ابريق‌های شیشه‌ای را بر اساس مبحث ریخت‌شناسی اعم از شناسایی و تعیین عناصر ثابت و متغیر هر اثر مورد مطالعه قرار می‌دهد. بنابراین سوال اصلی مطرح شده در پژوهش حاضر این است که ابريق‌های شیشه‌ای قرن‌های ۳-۴ ه.ق ایران به لحاظ ریخت‌شناسانه دارای چه ویژگی‌های بصری بوده و از کدام عناصر ثابت و متغیر تشکیل یافته‌اند؟

این بازه زمانی از این رو انتخاب شده است که صنعت شیشه‌گری در اوایل دوران اسلامی برخلاف دیگر صنایع مورد توجه واقع نشد و بعد از گذشت قرون نخستین اسلام دوباره احیا گشته است. از قرن ۳ ه.ق به بعد هنرمندان شیشه‌گر با بهره‌مندی از تجربیات شیشه‌گران پیشین و حمایت حاکمان آثار بی‌نظیری خلق کرده‌اند. در پژوهش حاضر ابريق‌های شیشه‌ای به روش توصیفی-تحلیلی با رویکرد ریخت‌شناسانه مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. اطلاعات و داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای و از منابع معتبر گردآوری شده‌اند. با توجه به پیشینه پریار هنر شیشه‌گری، مطالعات در این حوزه کمتر مورد توجه واقع شده و تحقیق جامع و مستقلی درخصوص ابريق‌های شیشه‌ای ایران صورت نگرفته است، همین مسئله اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر را می‌نمایاند.

۲- ریخت‌شناسی

رویکرد و پژوهش نظری پژوهش حاضر "ریخت‌شناسی"، دانشی در حوزه مطالعات ادبی است که هم اکنون در سایر عرصه‌ها از جمله در مطالعات هنری کاربرد دارد. اصطلاح ریخت‌شناسی یا مرفولوژی^۱ نخستین بار با ولادیمیر پراپ^۲-محقق و مردم شناس روس- مطرح شد. وی این اصطلاح را از دانش زیست‌شناسی وام گرفته و معتقد است؛ "ریخت‌شناسی یعنی بررسی و شناخت اجزای تشکیل دهنده گیاه و ارتباط آن‌ها با یکدیگر و با کل گیاه" (پراپ، ۱۳۶۸: ۷). وی پژوهش در اشکال ظاهری موجودات (اعم از زنده و غیر زنده) را وظیفه ریخت‌شناسی می‌داند. ریخت‌شناسی به لحاظ واژگانی به معنای بررسی و شناخت ریخت‌ها (پراپ، ۱۳۸۶: ۱۷) و مطالعه صورت‌ها است. یعنی مطالعه اجزای تشکیل دهنده یک شی و روابطشان با یکدیگر و با کل ساختار آن شی (آسابرگر، ۱۳۷۹: ۳۲). پس می‌توان گفت ریخت‌شناسی ارتباط تنگاتنگی با ساختار و شکل دارد، از این‌رو برای درک و مطالعه یک اثر باید اجزا و عناصر آن را بررسی کرد (گلدمن، ۱۳۸۲: ۹-۱۰). به بیان دیگر تحقیق در ساختارهای آثار هنری، شناخت اشکال و گونه‌های آن و هر نوع تقسیم‌بندی که بتواند آثار را بر اساس مشخصه‌هایی تمایز کند از مقوله ریخت‌شناسی است (سرامی، ۱۳۶۸: ۴) و موارد مورد مطالعه آن همان اجزای سازنده اثر و روابط آن‌ها با هم و با کل ساختار است که با کشف و احاطه بر آثار هنری میسر می‌شود. مبنای این کشف ذهنیت تحلیل‌گر و عینیت آثار هنری است. یعنی تحلیل‌گر با استفاده از مخیله خود الگویی به دست می‌دهد که بتواند در مورد تمام آثار آرمنی‌بذری باشد (مدررسی، ۱۳۹۰: ۲۳۴). همان‌طور که ذکر شد ریخت‌شناسی به عنوان یکی از روش‌های تبیین هنری رویکردی است که در اغلب موارد عناصر تشکیل دهنده اثر را مورد مطالعه قرار می‌دهد. به عبارتی دیگر ریخت‌شناسی در شناخت و تعیین عناصر ثابت و متغیر اثر کارآمد است. عناصر ثابت عناصری هستند که پیوسته در اثر وجود دارند و تغییر نمی‌کنند اما عناصر متغیر به صورت‌های مختلف در آثار ظاهر شده و سبب تنوع آثار می‌شوند (پارسا و صلوتی، ۱۳۸۹: ۵).

در ادبیات کلاسیک فارسی ریخت‌شناسی را برابر نهاده هیأت‌شناسی دانسته‌اند. چنان‌که ناصر خسرو در جامع الحکمتین آورده است: "هیأت آن است که اشخاص بدن از یکدیگر جدا هستند. خاصه اندر مردم، با آنکه به صورت همه یکی‌اند... به هیأت‌های مختلف که یافته‌اند، از یکدیگر جدا شوند" (ناصر خسرو، ۱۳۶۲: ۸۲-۸۱). در حقیقت اندیشه اصلی مبحث ریخت‌شناسی بر این اساس مبتنی است که کثرت و تکرار بیش از اندازه جزئیات (اعم از اثر ادبی و هنری) قابل تقلیل به طرح واحد است. طرحی که عناصر آن همیشه ثابت بوده و همواره با نظم خاصی قابل روئیت هستند. به بیان دیگر آثار با وجود فراوانی قابلیت تقسیم، دسته‌بندی و گنجانیدن در قالب مشخص دارند. شایان ذکر است هدف ریخت‌شناسی صرفاً مشخص کردن شکل و فرم آثار نیست بلکه بسط آن به شناخت و طبقه‌بندی آثار، تعیین عناصر ثابت و متغیر هر اثر و در بعد گسترده‌تر استخراج الگوی ریخت‌شناسانه آثار به روش علمی از طریق بررسی اجزای هر اثر است. لذا به مدد این رویکرد می‌توان به تصویری کلی از ریخت آثار دست یافت و بدین ترتیب آن‌ها را مورد بررسی و تدقیق قرار داد.

۳- مروری بر هنر شیشه‌گری ایران در دوران اسلامی

ایران -وارث فرهنگ ساسانی- در عصر اسلامی به پادشاهی‌های جدگانه تقسیم شده بود و گروهی از سلسله‌های مستقل بر آن فرمان می‌رانند. سامانیان، غزنویان، سلجوقیان، مغول و ... هر کدام در طی سال‌های مختلف بر ایران حکومت کردند و حاکمان آن به نحوی در شکوفایی و ارتقا هنرها از جمله شیشه‌گری تأثیرگذار بوده‌اند. شیشه‌گری ایران در دوران اسلامی ضمن حفظ و تداوم تکنیک‌های ساخت و تزئین شیشه دوره ساسانی، تکامل و رونق یافت به طوری که این هنر و صنعت یکی از هنرهای باشکوه ایران در طول تاریخ اسلام است.

هنر شیشه‌گری در ایران پس از رکود کوتاهی در سال ۱۲۸ هـ با روی کار آمدن عباسیان دوباره رواج یافت (عطارزاده، ۱۳۹۶: ۲۰۳). در قرون نخستین اسلام سلسله‌های ایرانی به خصوص آل بویه در شکل‌گیری هنر اسلامی سهم بسیاری داشته است. با گذشت حدود سه قرن از استیلای مسلمانان بر ایران، هنر شیشه‌گری مورد توجه واقع شد و به لحاظ ریخت، فرم و تزئینات تغییراتی کرد چرا که در قرن‌های ۳ و ۴ هـ ایران تجدید حیات علمی، فرهنگی و هنری یافته و زیر لوای سامانیان -از بزرگ‌ترین سلسله‌های مستقل ایران پس از اسلام- از آسایش مادی و معنوی برخوردار گشت. در ادوار تاریخ ایران هر زمان که هنرمندان از آسایش و آرامش برخوردار بودند آثار بالرزشی به یادگار گذاشته‌اند.

در قرن سوم و چهارم هجری قمری ایران تجدید حیات علمی، ادبی و صنعتی دوباره پیدا کرد. یکی از خدمات مهم شاهان سامانی توجه به هنر و ادبیات بوده به طوری که می‌توان گفت دوره آن‌ها نهضتی برای هنر ملی ایران به شمار می‌رود (علام، ۱۳۸۷: ۷۸). این توجه به هنرمندان و صنعتگران باعث شد شیشه‌گری که از دوران قبیل وجود داشت سریعاً طریق کمال پیش گیرد (نصری اشرفی، ۱۳۸۸: ۴۲۶). آثار به دست آمده از حفاری‌های نیشابور و سمرقند نشان دهنده دو مرکز بزرگ ساخت شیشه در عصر سامانیان بوده است (عطارزاده، ۱۳۹۶: ۲۰۴). در گذشته چنین تصور می‌شد که اشیای شیشه‌ای دوران اسلامی فقط در مصر، سوریه و بین‌النهرین ساخته شده‌اند اما در سال‌های اخیر، آثار شیشه‌ای متعددی مختص دوران اسلامی در ایران کشف شده است (فوکایی، ۱۳۷۱: ۹۷). در کاوش‌های باستان‌شناسی سال‌های اخیر نیشابور، ری، تورنگ‌تپه در گرگان، تپه میل ورامین، هرمزگان، ساوه، دقیانوس در کرمان، شهر حریره کیش و... تعدادی از ظروف شیشه‌ای مربوط به قرن‌های ۳ و ۴ هـ به دست آمد. همچنین بندر سیراف -یکی از مراکز مهم بازرگانی دریای خلیج فارس- در این سال‌های اخیر کاوش شد و آثاری از کوره‌های شیشه‌گری و قطعات شیشه‌ای مربوط به این دوره به دست آمد که اشاره‌ای به وجود کارگاه شیشه‌گری در این بندر دارد (پوپ، ۱۴۷: ۱۵/۱۳۹۰-۱۴۱). صفاریان (۱۳۷۹-۲۶۱ هـ / ۹۸۹-۸۷۵ م)، آل زیار (۱۰۴۱-۳۱۶ هـ / ۴۳۳-۳۱۵ م)، آل بویه (۱۰۵۵-۹۳۲ هـ / ۴۴۷-۳۳۴ م) از دیگر حکومت‌های قرن‌های نامبرده است که امرای آن همچون سامانیان به علوم و هنر توجه داشتند (مونس، ۱۳۸۵: ۳۶).

با ورود سلجوقیان به ایران در قرن ۵ هـ هنر شیشه‌گری همچنان مورد توجه بوده و صنعتگران آن به شیوه‌های جدید در ساخت و تزیین شیشه روی آوردن و استفاده از قالب‌های گوناگون نقش بر جسته و کنده کاری در شیشه را که از قرن‌های قبل مورود استفاده شیشه‌گران بود، رواج دادند (بازورث، ۱۳۸۰: ۱۵۸). کشمکش‌های سیاسی در اوخر دوران سلجوقی منجر به فرمانروایی خوارزمشاهیان بر ایران گردید اما در فرست کوتاهی حکومت ایشان، تحول و تنوعی در هنرها از جمله شیشه‌گری را نمی‌توان انتظار داشت. زیرا طولی نکشید که یورش مغولان چنان آشوب و ویرانی به بار آورد که صنایع و هنرها به دست فراموشی سپرده شدند. کمبود آثار شیشه‌ای از این دوران حاکی از آن است که این صنعت شکوه دوران قبل را باز نیافت (پوپ، ۱۵/۱۳۹۰: ۱۴۸). این رکود تا به روی کارآمدن صفویان تا زمان سلطنت شاه عباس ادامه داشته است (بامبرو، ۱۳۹۴: ۱۰۹).

۴- ابریق‌های شیشه‌ای

ابریق -آبریز (دهخدا، ۱۰/۱۳۷۷: ۳۱۲)- برای نگهداری مایعات همچون آب، شراب و همچنین برای طهارت به کار می‌رفته است. ابریق‌ها در فرم‌های گوناگون شناسایی شده‌اند که به نظر می‌رسد بنابر کاربردشان انواع متفاوتی داشته یا در هر کارگاه شیشه‌گری به گونه‌ای خاص ساخته شده‌اند. با مطالعه و بررسی کتب تخصصی در حوزه هنر شیشه‌گری ۲۴ اثر ابریق شیشه‌ای متعلق به ایران در قرون ۳-۴ هـ شناسایی گردید که تصاویر مربوط بدان‌ها در جدول ۱ گردآوری شده است. ابریق‌های شیشه‌ای ایران در قرن‌های ۳-۴ هـ اغلب بی‌رنگ بوده و با میانگین ارتفاع ۱۵ سانتی‌متر ساخته شده‌اند.

جدول ۱. ابريق‌های شیشه‌ای ایران در قرون ۳ و ۴ ه.ق (منبع: نگارندگان)

منبع	تصویر ۴	منبع	تصویر ۳	منبع	تصویر ۲	منبع	تصویر ۱
(علی اکبرزاده کردمینی، ۱۳۲۰: ۷۵)		(Carboni, 2001: 157)		(Ricke, 2002: 42)		(Ricke, 2002: 42)	
منبع ۸		منبع	تصویر ۷	منبع	تصویر ۶	منبع	تصویر ۵
(علی اکبرزاده کردمینی، ۱۳۲۰: ۱۱۷)		(Tait, 1991: 117)		(Tait, 1991: 117)		(Tait, 1991: 117)	
تصویر ۱۲		منبع	تصویر ۱۱	منبع	تصویر ۱۰	منبع	تصویر ۹
(کلداشانی، ۱۳۲۰: ۱۱۵)		(Whitehouse, 2010: 297)		(Ricke, 2002: 42)		(Whitehouse, 2010: 73)	
تصویر ۱۶		منبع	تصویر ۱۵	منبع	تصویر ۱۴	منبع	تصویر ۱۳
(علی اکبرزاده کردمینی، ۱۳۲۰: ۹۵)		(Whitehouse, 2010: 297)		(Ricke, 2002: 42)		(Whitehouse, 2010: 73)	
تصویر ۲۰		منبع	تصویر ۱۹	منبع	تصویر ۱۸	منبع	تصویر ۱۷
(علی اکبرزاده کردمینی، ۱۳۲۰: ۹۴)		(Whitehouse, 2010: 297)		(Ricke, 2002: 42)		(Whitehouse, 2010: 73)	

منبع	تصویر ۲۴	منبع	تصویر ۲۳	منبع	تصویر ۲۲	منبع	تصویر ۲۱
(Carboni, 2001: 218)		(علی‌اکبرزاده گردیمچنی، ۱۳۷۰: ۱۷)		(علی‌اکبرزاده گردیمچنی، ۱۳۷۰: ۵۰)		(علی‌اکبرزاده گردیمچنی، ۱۳۷۰: ۹۹)	

۱- ریخت‌شناسی ابريق‌های شيشه‌اي

بر اساس رویکرد نظری پژوهش حاضر در این بخش به مطالعه اجزای تشکیل‌دهنده ابريق‌های پرداخته می‌شود. ابريق‌های شيشه‌اي از سویی شامل بر جسته‌ترین و ارزشمندترین نمونه‌های موجود و از سویی دیگر مشتمل بر نمونه‌هایی است که جهت رفع خواج زندگی روزمره ساخته شده‌اند. بررسی ریخت‌شناسانه علاوه بر مشخص کردن فرم و طبقه‌بندی اثر، در شناخت و تعیین عناصر ثابت و متغیر آثار کارآمد بوده و مستلزم مطالعه ژرف‌نگرانه از طریق بررسی این اجزا و عناصر است.

پس از مطالعه ریخت‌شناسانه ابريق‌های شيشه‌اي می‌توان اذعان کرد مخزن، دسته و دهانه جزو عناصر ثابت و گردن، زائده روی دسته، پایه، تزیینات و نقوش جزو عناصر متغیر این آثار می‌باشند. مخزن ابريق‌های شيشه‌اي ایران مشتمل از فرم‌های اشکی، شلجمی، گوشتکوبی، استوانه‌اي و تلفیقی از فرم‌های مزبور است که بنابر ریخت ظاهري آن‌ها نامگذاري شده‌اند. ابريق‌های مخزن اشکی از پهنانی عريض‌تر در قسمت پایین بدنه نسبت به قسمت بالاي آن برخوردار بوده و بر عکس اين مطلب در مورد مخزن گوشتکوبی شكل صدق می‌کند. به عبارتی دیگر قسمت شانه مخزن ابريق‌های گوشتکوبی پهن‌تر از قسمت پایین آن است. در میان ابريق‌های شيشه‌اي، فرم مخزن ابريق شماره ۱۱ در جدول بالا- در میان آثار شيشه‌اي دوران اسلامي نامعمول است و احتمالاً به فرم آبريزهای یوناني و رومي - Askos^۱ - شباهت دارد و از طرفی يادآور مشك‌های آب از جنس چرم است. دهانه ابريق‌های مورد مطالعه در سه دسته تگ و باریک، متوسط يا استوانه‌اي و گشاد مشاهده می‌شود. ابريق‌های مخزن اشکی در دو حالت دارای گردن و فاقد آن ساخته شده‌اند (تصویر ۱ و ۲).



تصویر ۲. ابريق مخزن اشکی فاقد گردن
(منبع: نگارندگان)

تصویر ۱. ابريق مخزن اشکي داراي گردن
(منبع: نگارندگان)

در اکثر ابريق‌های مخزن اشکي، با باریک شدن مخزن از ميانه بدنه به طرف دهانه، نيازي به اعمال گردن از سوی هنرمند شيشه‌گر وجود نداشته لذا در انتهای مخزن، دهانه بادامي شكل -که برای ايجاد لبه مخصوص ریختن مایعات به سمت جلو کشیده شده- در نظر گرفته شده است. ابريق‌های دهانه متوسط دارای گردن استوانه‌اي شكل بوده و در ابريق‌های دهان گشاد فرم گردن شبيه‌وري است. تمام ابريق‌های مورد مطالعه از جزء ثابت دسته برخوردار می‌باشند که با فرم منحنی وار از دهانه به ابتداء، ميانه و انتهای مخزن متصل شده است. همچنين قسمت بالاي دسته برای قرار گرفتن انگشت دست به هنگام ریختن مایعات با ابزار پرداخت شده است که در اغلب موارد با ارتفاع زياد نسبت به دیگر زايده‌هایي که به صورت بر جسته مشاهده می‌شوند، با خمير شيشه اعمال شده است. اين مورد در ۲۲ مورد از ابريق‌های مزبور مشاهده شد و ۲ نمونه فاقد عنصر متغير زايده روی دسته می‌باشند.

در ساخت ابريق‌های شيشه‌اي پايه ساده و مسطحی در ۱۱ نمونه، توسط هنرمند شيشه‌گر در نظر گرفته شده است. شاييان ذكر است تمام ابريق‌های شلجمي از پايه ساده‌اي جهت ايستايي بهتر و برخی از ابريق‌های مخزن اشکي نيز از اين عنصر متغير برخوردار می‌باشند.

1. Askos

ابریق‌های دهانه تنگ و باریک با تعداد ۱۱، ابریق‌های دهانه متوسط با ۶ و ابریق‌های دهانه گشاد با ۷ عدد مجموعاً ۲۴ عدد از ابریق‌های قرون ۳-۴ م.ق را به خود اختصاص داده‌اند. جدول ۲ که بر اساس ترتیب تصاویر در جدول ۱ ترسیم شده در بردارنده طرح خطی هر یک از ابریق‌های شیشه‌ای به منظور تسهیل در شناسایی و دریافت تنوع ریخت آثار مزبور است.

جدول ۲. طرح خطی ابریق‌های شیشه‌ایران در قرون ۳ و ۴ م.ق (منبع: نگارندگان)

تصویر ۵	تصویر ۴	تصویر ۳	تصویر ۲	تصویر ۱
تصویر ۱۰	تصویر ۹	تصویر ۸	تصویر ۷	تصویر ۶
تصویر ۱۵	تصویر ۱۴	تصویر ۱۳	تصویر ۱۲	تصویر ۱۱
تصویر ۲۰	تصویر ۱۹	تصویر ۱۸	تصویر ۱۷	تصویر ۱۶
تصویر ۲۴	تصویر ۲۳	تصویر ۲۲	تصویر ۲۱	

سال ششم، شماره ۱ (پیاپی: ۳۳)، اردیبهشت ۱۴۰۰، جلد دو

به نظر می‌رسد شیشه‌گران به دلیل توجه بیشتر به استفاده کاربردی، ابریق‌های شیشه‌ای را برای رفع احتیاجات روزمره ساخته‌اند چرا که یک سوم از ابریق‌های شیشه‌ای مزبور فاقد تزیینات می‌باشد. تزیینات باقی ابریق‌های شیشه‌ای مورد مطالعه در دو دسته انتزاعی محض و شمایلی-انتزاعی قابل بررسی است. تزیینات انتزاعی محض نقوش هندسی، غیر هندسی و نوشتاری و تزیینات شمایلی-انتزاعی نقوش گیاهی و جانوری را دربر می‌گیرد. نقوش هندسی از جمله تزیینات پرکاربرد روی این آثار شیشه‌ای است که در نظر هنرمند شیشه‌گر مقبولیت داشته است. این نقوش هندسی اغلب شامل نقش دایره‌یا دایره‌های متعدد المثلث، خطوط افقی و عمودی، نقش لانه زنبوری و ... است. نقوش غیر هندسی نیز در پرتو سایر نقوش و در کنار دیگر تزیینات هندسی، نوشتاری، جانوری و ... به عنوان نقوش پرکننده بر روی بدن ابریق‌های شیشه‌ای نقش بسته است. تعداد انگشت‌شماری از آثار مزبور با تزیینات شمایلی-انتزاعی جانوری و گیاهی آراسته شده‌اند به طوری که نقوش گیاهی به تنهایی روی بدن این ابریق‌ها رؤیت نمی‌شود بلکه در طراحی اجزای بدن جانورانی همچون پرنده و بز کوهی مورد استفاده قرار گرفته است (تصویر ۳). یک نمونه از ابریق‌ها با خط نوشته کوفی و حاوی مضامون دعای خیر و برکت "عافیه شافیه" برای صاحب ظرف تزیین گشته است. این نقش از سوی بدن ابریق شیشه‌ای را آراسته و از سویی دیگر در بر دارنده دعای سلامتی برای صاحب ظرف است (تصویر ۴).



تصویر ۳. نقوش جانوری (منبع: نگارندگان)

تصویر ۴. نقوش نوشتاری (منبع: نگارندگان)

به منظور ارائه یک کلیت جامع از ریخت ابریق‌های شیشه‌ای قرون ۳-۴ م.ق عناصر ثابت و متغیر آن‌ها در قالب جداول ۳ و ۴ بررسی شده است.

جدول ۳. ریخت‌شناسی مخزن و دهانه ابریق‌های شیشه‌ای (منبع: نگارندگان)

شماره تصویر											
۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
		*	*	*	*	*			*	*	*
	*						*	*			
*											
*											
		*	*	*	*			*	*	*	
	*							*			
*	*						*				
۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳
شماره تصویر											
*								*	*		
			*		*	*	*				
		*									
*										*	
	*			*							
*											
*	*	*	*	*							
			*	*	*	*					

جدول ۴. ریخت‌شناسی عناصر متغیر ابریق‌های شیشه‌ای (منبع: نگارندگان)

فاقد تزیینات	تزیینات شمایلی انتزاعی		تزیینات انتزاعی محض		گردن		پایه		زاده روی دسته		محل اتصال دسته به مخزن		شماره تغییر	
	بُن	بُن‌ی	خوشناری	بُن‌هندگی	بُن‌سی	بُن	بُن‌ی	بُن‌زد	بُن‌د	بُن	بُن‌ه	بُن‌ه	بُن‌ه	
*					*		*			*		*		۱
*						*	*			*		*		۲
*					*		*			*		*		۳
*						*		*		*		*		۴
					*		*		*	*		*		۵
					*		*		*	*		*		۶
					*		*			*		*		۷
					*					*		*		۸
					*					*		*		۹
					*					*		*		۱۰
	*				*					*		*		۱۱
		*			*					*		*		۱۲
		*			*					*		*		۱۳
*					*					*		*		۱۴
*	*				*				*	*		*		۱۵
		*			*				*	*		*		۱۶
		*			*				*	*		*		۱۷
		*			*				*	*		*		۱۸
*					*				*	*		*		۱۹
					*				*	*		*		۲۰
					*				*	*		*		۲۱
*					*				*	*		*		۲۲
*					*				*	*		*		۲۳
					*				*	*		*		۲۴

۵- نتیجه‌گیری

شیشه‌گری - از جمله هنرهای دستی سرزمین ایران - در طول دوران اسلامی وارد مرحله نوینی شده است. در دو قرن اول بعد از استیلای اسلام در ایران، هنر شیشه‌گری دوره‌ای از رکود را سپری کرده و آثار باقی‌مانده از آن عصر کم و اغلب ساده دمیده شده‌اند. در قرن‌های بعدی که می‌توان آن را از مهم‌ترین عصرهای شیشه‌گری دوران اسلامی به شمار آورد آثار متنوع با تزیینات گوناگون ساخته شده است. در این مقاله تلاش شد تا ابریق‌های شیشه‌ای ایران در قرن‌های ۳-۴ هـ از منظر ریخت‌شناسانه بررسی شوند که از سویی بخشی از آثار شیشه‌ای دوران اسلامی ایران شناسایی شده و از سویی دیگر ویژگی‌های بصری این آثار به منظور ارتقاء دانش هنر شیشه‌گری ایران که کمتر مورد پژوهش واقع شده است، تبیین شوند. هنر شیشه‌گری ایران در قرن‌های ۳ و ۴ هـ احیا شده و در این تجدید حیات آثار ارزنهای همچون ابریق‌های شیشه‌ای با مهارت و ابتکار هنرمندان شیشه‌گر به روش دمیده در قالب و دمیده آزاد ساخته شده‌اند. ابریق‌های شیشه‌ای بر جای مانده از سرزمین ایران که با فعالیت هنرمندان شیشه‌گر در ساخت و تزئین تجلی کرده بر اهمیت این هنر و صنعت تأکید دارد.

با مطالعه ریخت‌شناسانه ۲۴ مورد از ابریق‌های شیشه‌ای ایران در خلال قرن‌های ۳ و ۴ هـ آشکار گردید؛ ابریق‌های شیشه‌ای از عناصر ثابت مخزن، دسته و دهانه ساخته شده‌اند و گردن، زانده روی دسته، پایه، تزیینات و نقوش از جمله عناصر متغیر آثار مذکور است. فرم مخزن ابریق‌های شیشه‌ای در ۵ دسته اشکی، شلجمی، گوشتکوبی، استوانه‌ای و تتفیقی تقسیم‌بندی شد که از میان فرم‌های مذبور فرم اشکی و بعد از آن فرم شلجمی بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده‌اند. دهانه ابریق‌ها نیز در سه گروه تنگ و باریک، متوسط و استوانه‌ای، عریض و گشاد دسته‌بندی شد. با توجه به این که دهانه ابریق‌های مخزن اشکی تنگ و باریک

است و با در نظر گرفتن تعداد بالای این نوع ابريق‌های، تعداد ابريق‌های دارای دهانه تنگ و باریک به تبعیت از ابريق‌های اشکی تعداد بیشتری دارند.

دسته یکی دیگر از عناصر این آثار از دهانه به ابتداء، میانه و یا انتهای مخزن متصل شده و روی این دسته‌ها اغلب زائدات بر جسته قرار گرفته است. پایه ساده و مسطح و همچنین گردن از اجزای متغیر ابريق‌های شیشه‌ای در بعضی از این آثار مشاهده می‌شوند. در فرم‌های بررسی شده، تمام ابريق‌های مخزن شلجمی دارای پایه می‌باشند. ترتیبات ابريق‌های شیشه‌ای قرن‌های ۳ و ۴ هـ.ق در دو دسته انتزاعی محض و شماطی-انتزاعی متشکل از نقوش هندسی، غیر هندسی، نوشتاری، جانوری و گیاهی مورد مطالعه قرار گرفت که در رابطه با آن باید گفت نقوش هندسی تعداد بیشتری از بدنه این آثار را آراسته است. نقوش غیر هندسی، جانوری و گیاهی نیز به صورت مجرد و یا در کنار سایر نقوش تعدادی از ابريق‌های شیشه‌ای را تزیین کرده‌اند. خط نوشته که با برآمدن اسلام از جمله نقوش ارزشمند آثار هنری تلقی می‌شود، بر روی بدنه یک نمونه از این ابريق‌ها روئیت شد. روش ساخت ابريق‌های شیشه‌ای و همچنین شیوه‌های تزیین ابريق‌های مزبور شامل تراش، دمیدن در قالب با نقوش کنده کاری شده، کامئو و خمیر افزوده می‌باشد. بررسی هر یک از این روش‌های ساخت و تزیین در این مقاله نمی‌گنجد اما می‌تواند موضوع پژوهش‌های بعدی قرار گیرد که تا کنون دست مایه تحقیقی جامع و منسجمی قرار نگرفته است.

پی‌نوشت

1. Morphology

2. Vladimir Propp

منابع

۱. آسا برگر، آرتور. (۱۳۷۹). نقد فرهنگی. ترجمه حمیرا مشیرزاده. تهران: باز.
۲. بازورث، کلیفورد ادموند. (۱۳۸۰). سلسله‌های تاریخ ایران: سلجوکیان. ترجمه یعقوب آزاد. تهران: مولی.
۳. بامبرو، فیلیپ. (۱۳۹۴). گنجینه هنر اسلام. ترجمه مسعود گلزاری و مهردخت وزیرپور کشمیری. تهران: کتابدار.
۴. پرپ، ولادیمیر. (۱۳۶۸). ریخت شناسی قصه‌های پریان. ترجمه فریدون بدره‌ای. ج اول. تهران: طوس.
۵. پرپ، ولادیمیر. (۱۳۸۶). ریخت شناسی قصه‌های پریان. ترجمه فریدون بدره‌ای. ج دوم. تهران: توسع.
۶. پوپ، آرتور آپم. (۱۳۹۰). سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز. جلد پانزدهم؛ پیوستها و تعلیقات. تهران: علمی و فرهنگی.
۷. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. ج دوم. جلد ۱۰. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۸. سرامی، قدملی. (۱۳۶۸). از رنگ گل تا رنچ خار (شکل شناسی قصه‌های شاهنامه). تهران: علمی و فرهنگی.
۹. عطار زاده، عبدالکریم. (۱۳۹۶). مجموعه هنر در تمدن اسلامی. تهران: سمت.
۱۰. علام، نعمت اسماعیل. (۱۳۸۶). هنرهای خاورمیانه در دوران اسلامی. ترجمه عباسعلی تفضلی. ج دوم. مشهد: به نشر.
۱۱. علی اکبرزاده کردمهینی، هلن. (۱۳۷۳). شیشه مجموعه مرز بازرگان. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
۱۲. فوکایی، شینجی. (۱۳۷۱). شیشه ایرانی. ترجمه آرمان شیشه‌گر. تهران: میراث فرهنگی.
۱۳. گلداشتاین، سیدنی‌ام. (۱۳۸۷). کارهای شیشه؛ مجموعه هنرهای اسلامی گردآوری ناصر خلیلی. جلد ۱۰. تهران: کارنگ.
۱۴. گلدمن، لوسین. (۱۳۶۹). نقد تکوینی. ترجمه محمد تقی غیاثی. ج چهارم. تهران: بزرگ مهر.
۱۵. مدرسی، فاطمه. (۱۳۹۰). فرهنگ توصیفی نقد و نظریه‌های ادبی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۶. مونس، حسین. (۱۳۸۵). اطلس تاریخ اسلام. ج سوم. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۱۷. ناصر خسرو قبادیانی، ابو معین. (۱۳۶۲). جامع الحکمتین. تصحیح محمد معین و هانری کربن. تهران: طهوری.
۱۸. نصری اشرفی، جهانگیر. (۱۳۸۸). تاریخ هنر ایران. تهران: آرون.
19. Carboni, Stefano & David Whitehouse. (2001). Glass of the Sultans. New York: The Metropolitan.
20. Carboni, Stefano. (2001). Glass from Islamic Lands. UK: Thames & Hudson.
21. Ricke, Helmut. (2002). Glass Art Reflecting the Centuries. New York: Dusseldorf.
22. Tait, Hugh. (1991). Five Thousand Years of Glass. New York: The Trustees of the British - Museum.
23. Whitehouse, David. (2010). Islamic Glass in the Corning Museum of Glass. New York: The Corning Museum of Glass.

The Morphology of Iranian Glass Jugs In the 3rd& 4th centuries AH

Abstract

Glassmaking is one of the oldest, most valuable and growing arts throughout history which has long been the manifestation of outstanding and unique glass works that show the level of interest, mastery and skill of glass artists in Iran.

Glassmaking as one of the most prominent arts in Iran, has continued to shine throughout history despite the vicissitudes. Glassmaking as one of the glorious arts of Iran during the Islamic era entered a new phase with the advent of Islam. The Iranian glassmakers in the 3rd and 4th centuries AH have created unique and valuable designs, some of which have survived over time.

In the aforementioned centuries, glassworks were not simple, but glassmaker artists created works in the form of text and various decorations by using the rich experiences of their predecessors and new methods of making and decorating glass. Jugs are of the functional utensils among these glassworks. The purpose of this research is to study Iranian glass jugs with a focus on the general structure of components, forms, patterns and ornaments under the title of morphology which is a science in the field of literary studies currently used in other fields including art studies. The term morphology was first coined by the Russian researcher and anthropologist Vladimir Propp. Morphology literally means studying and recognizing shapes and faces. That is, the study of the components of an object and their relationship to each other and to the whole structure of that object. This approach was first introduced in the field of literary criticism and is now applied in artistic fields where it is possible to examine and recognize the components of these types of glass and to give a general overview of the shapes of the works for further comparison. Morphology does not only mean determining the form and shape of works, but it also generalizes to recognizing and classifying works, determining the fixed and variable elements of each work, and in a broader dimension, extracting the morphological pattern, and the scientific comparative study of works by reviewing components of each effect. It is noted that fixed elements are those constantly present in the work, but variable elements appear in different forms and cause diversity. It is to claim that morphological studies of any period can be of a great step in examining the development and historical evolution of form and decoration in the field of works of art. Considering that the basis of criticism in art with any approach is focused on the form of the work of art, a general picture of the shape of the works can be achieved and thus they can be examined and refined from this perspective.

The present study seeks to answer the basic question of "what are the visual features of Iranian glass jugs in the 3rd and 4th centuries AH? According to the available sources, the samples found from the jugs in the given period are 24 in total, the related data of which has been collected from library sources. The research method used here is descriptive-analytic and the given samples are evaluated and analyzed qualitatively upon the morphological approach.

Drawn upon the results, glass jugs are composed of fixed elements of tank, opening and handle. Appendages on the handle, neck, base, ornaments and motifs are the variable components of these jugs. The glass jugs tank is made in tear, parabolic, meat grinder, cylindrical and **syncretic** forms with narrow, cylindrical and wide openings. The handle is connected to the beginning, middle or end of the tank through the opening. The glass artist prominently considers an appendage on the handle of most glass jugs. A simple and flat base was observed in the bottom of all the parabolic and tear jugs. Glass ornaments and jugs can be traced in two categories of pure and iconic abstracts including geometric, non-geometric, written, animal and plant motifs. One third of these works lack decorations and motifs.

Keywords: Morphology, Glass Jugs, Glassmaking Art, Form, Decorations.